کتب درسی نرسید مسئولیتش بر دوش خانواده‌ها افتاد!

مدیر کل آموزش‌وپرورش تهران: خانواده‌ها دیر ثبت‌نام کردند، کتب درسی به برخی از دانش‌آموزان نرسید

گزارش یک
مهسا گربندی

با گذشت بیش از یک ماه و نیم از شروع سال تحصیلی، هنوز بسیاری از دانش‌آموزان کتاب‌های درسی خود را تحویل نگرفته‌اند! اتفاقی که مدیرکل آموزش‌وپرورش شهر تهران بخشی از علتش را به ثبت‌نام دیرهنگام دانش‌آموزان و تأخیر خانواده‌ها در ثبت سفارش نسبت می‌دهد. توجیهی که اگرچه ممکن است بخشی از واقعیت ماجرا باشد، اما نمی‌تواند ضعف در برنامه‌ریزی و مدیریت نظام تأمین و توزیع کتاب‌های درسی را لاپوشانی کند. مگر آمار دانش‌آموزان و نیاز مدارس به کتاب‌های درسی غیرقابل پیش‌بینی بود که حالا گفته می‌شود خانواده‌ها کتب درسی را دیر ثبت سفارش کرده‌اند؟ این اتفاقی نیست که مسئولان با آن غافلگیر شوند و مسئولیت نبود کتب درسی یا دیر رسیدن آنها به دست دانش‌آموزان را بر دوش خانواده‌ها بیندازند.


رضا دهشیری|جوان

سال تحصیلی، منتظر تکمیل سفارش‌ها و رفع مشکلات اداری و چاپی کتب درسی نمی‌ماند و دانش‌آموزی که بدون کتاب سر کلاس درس حاضر می‌شود، عملاً بخشی از فرصت یادگیری‌اش را از دست می‌دهد. بنابراین مسئولان آموزش‌وپرورش باید به‌جای توضیحاتی که قانع‌کننده هم نیست، سهم دستگاه متولی را نیز در این اختلال بپذیرند و درباره حل این مشکل و برنامه‌ریزی برای تأمین و توزیع کتاب‌های درسی، پاسخگویی شفافی داشته باشند. حتی اگر خانواده‌ها مسئول ثبت سفارش فرزندانشان هستند و آن را دیر انجام داده باشند، مدیریت زنجیره تأمین و رساندن کتاب به دست دانش‌آموزان (براساس آمار دانش‌آموزی) بر عهده دستگاه آموزش‌وپرورش است؛ مسئولیتی که نمی‌توان از آن شانه خالی کرد.

■ توپ در زمین خانواده‌ها

روز گذشته مجید پارسا، مدیر کل آموزش‌وپرورش شهر تهران، در توضیح علت تأخیر در تحویل کتاب‌های درسی به برخی دانش‌آموزان، گفت: «در حال حاضر مشکل فراگیری در توزیع کتاب‌های درسی نداریم و آنچه در بررسی‌ها مشخص شده، این است که بخشی از دانش‌آموزان به دلیل ثبت‌نام دیرهنگام در مدارس یا تأخیر در ثبت سفارش کتاب‌های درسی، نتوانسته‌اند کتاب‌های خود را هم‌زمان با سایر دانش‌آموزان دریافت کنند.»

او با اشاره به ثبت‌نام حدود ۷هزارو ۲۰۰ دانش‌آموز در تهران که سفارش کتاب‌های درسی خود را در موعد مقرر ثبت نکردند یا با تأخیر این کار را انجام دادند، افزود: «خانواده‌ها و مدارس باید در طول تابستان نسبت به ثبت سفارش کتاب‌ها اهتمام بیشتری می‌داشتند.»

پارسا در ادامه با اشاره به سازوکار ثبت و صدور کتاب‌های درسی توضیح داد: «از آنجا که کتاب‌های درسی براساس سفارش ثبت‌شده برای هر دانش‌آموز صادر می‌شود، طبیعی است افرادی که سفارش خود را با تأخیر ثبت کرده‌اند، کتاب‌هایشان را نیز دیرتر دریافت کنند.»

مدیر کل آموزش‌وپرورش شهر تهران همچنین وجود برخی مشکلات در فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مناطق مختلف پایتخت را پذیرفت و گفت: «در بعضی مناطق با مشکلاتی در فرایند توزیع مواجه بودیم که این موضوع را کتمان نمی‌کنیم، از جمله در منطقه ۴ تهران که البته این مشکل نیز برطرف شده‌است.»

او در پایان مدعی شد: «در حال حاضر تمام دانش‌آموزانی که در فصل تابستان ثبت‌نام کرده و سفارش کتاب‌های درسی خود را در موعد مقرر انجام داده بودند، کتاب‌هایشان را دریافت کرده‌اند.»

■ روایت واحدی از تأخیرها نیست!

از سوی دیگر اما، مهرماه امسال بود که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در پاسخ به پیگیری «جوان»، از محدودیت ظرفیت شبکه توزیع کشوری، تأخیر در تولید برخی عناوین، تغییرات محتوایی و گرافیکی کتاب‌ها و همچنین شرایط ویژه کشور به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر روند تأمین و توزیع کتاب‌های درسی نام برد. این سازمان همچنین اعلام کرد که با وجود چاپ حدود ۱۶۳ میلیون جلد کتاب درسی، بیش از ۹۸درصد این حجم ارسال و توزیع شده‌است.

اکنون اما مدیر کل آموزش‌وپرورش تهران، بخش قابل توجهی از تأخیرها را ناشی از ثبت سفارش دیرهنگام خانواده‌ها می‌داند و انگشت اتهام را به سمت آنها گرفته‌است. این تفاوت در روایت‌ها، دست‌کم نشان می‌دهد که هنوز تصویر روشنی از سهم هر یک از عوامل در بروز این مشکل ارائه نمی‌شود.

در این میان، مسئله اصلی دانش‌آموزی است که بیش از یک ماه و نیم از سال تحصیلی را پشت سر گذاشته، اما هنوز کتاب درسی در اختیار ندارد. چنین دانش‌آموزی نمی‌تواند منتظر بماند تا دستگاه‌های مختلف درباره علت تأخیر به جمع‌بندی برسند تا مشکل را حل کنند! برای او، تعداد کتاب‌های چاپ‌شده و درصد کتاب‌های ارسال‌شده هیچ معنا و مفهومی ندارد؛ این دانش‌آموز کتابی را می‌خواهد که هنوز به دستش نرسیده و تحصیلش را مختل کرده‌است.

پرواضح است که مأموریت نظام آموزشی فقط چاپ میلیون‌ها جلد کتاب و ثبت آمارهای بلندبالای توزیع نیست، بلکه باید کتاب‌ها را در زمان مقرر به دست دانش‌آموزان برساند، حتی اگر کسی دیرتر آن را در سامانه ثبت کرده‌باشد. از همین رو، مسئولان به‌جای بسنده کردن به ارائه آمارهای کلی و ارجاع مشکل به تأخیر خانواده‌ها، باید شفاف‌سازی کنند که چرا با وجود پیش‌بینی نیاز آموزشی کشور و صرف هزینه برای تولید و توزیع کتاب‌ها، هنوز تعدادی از دانش‌آموزان از ابتدایی‌ترین ابزار آموزش یعنی کتاب درسی محروم مانده‌اند و همچنان این کتاب‌ها به دستشان نرسیده است؟!

گزارش ۲
سید امیرعلی ناقدی

اولین ۱۳ آبان است که مینابی‌ها، روز دانش‌آموز را بدون این دانش‌آموزان پرپر شده جشن می‌گیرند؛ جشنی که خود بیشتر بار غم و بغض به همراه دارد. در محل مزار شهدای مدرسه شجره طیبه میناب، بعضاً همکلاسی‌ها یا دانش‌آموزان همشهری آنها نیز دیده می‌شدند که با شاخه گل، به مراسم روز دانش‌آموز آمده بودند، اما مادران و اقوام شهدای معصوم مدرسه شجره طیبه از همه بیشتر به چشم می‌آمدند؛ در حالی که ساکت و بی‌سر و صدا و بغض کرده در گوشه مزار یا یادمان عزیزانشان نشسته بودند.

گزارش میدانی «جوان» از حال‌وروز دانش‌آموزان مینابی

میناب مقتدر و مظلوم



ورود به شهر میناب، با ورود به هر شهر شهیدپرور دیگری که در کشورمان بی‌شمار هستند، فرق جدی دارد. به قول یکی از افراد خوش‌ذوق همراه کاروان رسانه‌ای، در این شهر به جای عکس سرداران و نیروهای رزمی شهیدشده در جنگ‌های تحمیلی، عکس کودکان پرپر شده در مدرسه شجره طیبه بر در و دیوارها، بیلبوردها و بلوارها جلوه می‌کند.

■ ورود به میناب قهرمان

همین مسئله خود یک‌بار غمی بر دل انسانی که برای بار اول بعد از ۹ اسفند ۱۴۰۴ به این شهر می‌آید، می‌اندازد. البته حال و هوای شهر به هیچ وجه مرده و دل‌زده نیست. همچون تمام شهرهای کشورمان در این ایام ظفر و پیروزی، میناب هم شهری زنده و فعال است، اما نام این شهر گره خورده است با قتلگاه کودکان و معلمان مظلوم مدرسه شجره طیبه، که در اولین ساعات جنگ تحمیلی سوم، پرپر شدند.

■ خانواده‌های شهید مینابی

در میان جمع خبرنگاران و اهالی رسانه، یک نفر به حالت گلایه می‌گفت که به خاطر اثرات روحی و تکرار مصاحبه‌هایی که با خانواده‌های شهدای میناب شده‌است، از سوی مسئولان مصاحبه با خانواده‌ها در برنامه‌های رسانه‌ای محدود شده‌است، اما در محل گلزار شهدای مدرسه شجره طیبه که در آرامستان اصلی شهر و به صورت مجزا واقع شده‌بود، برخی از والدین و اطرافیان شهدا دیده می‌شدند. خبرنگاران از طیف‌های مختلف سیاسی، همگی در مظلومیت این شهدا منقلب و هم‌نظر بودند و از یکدیگر در مصاحبه گرفتن و حلقه زدن همچون پروانه گرد شمع این عزیزان، سبقت می‌گرفتند.

برخی خانواده‌هایی هم که در محل گلزار شهدا بودند، خیلی تمایلی به مصاحبه نداشتند و مایل به تکرار خاطرات تلخ خود که بارها در مصاحبه‌ها و میادین تجمعات شبانه تکرار کرده‌بودند، نبودند. مادر شهید دانش‌آموز محمد مهدی جنگیچی به سختی با چند نفری که گردش جمع شده‌بودیم، صحبت می‌کرد. می‌گفت محمد مهدی من پرسپولیسی بود. عاشق فوتبال بود. پیکرش در پارک مجاور منزل که زیاد به آنجا برای بازی می‌رفت، دفن شده است، اما به رسم برخی دیگر از شهیدان که پیکرشان در محل‌های دیگر دفن شده‌است، اینجا برایش یادبودی درست شده‌است.

یکی از گلایه‌های پرتکرار و تقاضاهای والدین دانش‌آموزان شهید، رسیدگی به همین مزارهای پراکنده در شهر بود که همچون چراغ‌هایی جای‌جای شهر را نوربارن کرده‌اند. رسیدگی به خود مزار شهدا نیز از گلایه‌های دیگر این خانواده‌ها بود.

در انتهای هم‌نشینی با مادر شهید محمد مهدی جنگیچی، به او گفتند که به برکت خون با برکت فرزندش، جانیان امریکایی رسوا و محاکمه می‌شوند. شخصی گفت که در همین روز ۱۳ آبان نیز با شکست در انتخابات کنگره، بانیان در حال سقوط هستند. مادر با بصیرت اما علاوه بر اینکه کمی ذوق‌زده شد، گفت: «سگ زرد برادر شغال است و با تغییر سیاستمداران در امریکا فرقی ایجاد نمی‌شود.»

■ مراسمی با عنوان «روایت ستاره‌ها؛ بازنمایی میناب قهرمان»

شامگاه چهارشنبه ۱۳ آبان ماه، در آیین «روایت ستاره‌ها؛ بازنمایی میناب قهرمان» که با حضور خانواده‌های شهدای دانش‌آموز مدرسه شجره طیبه و جمعی از چهره‌های فرهنگی، هنری و رسانه‌ای برگزار شد، وزیر میراث‌فرهنگی با اشاره به ابعاد انسانی این واقعه گفت: هیچ سخنی نمی‌تواند عمق اندوه خانواده‌هایی را که فرزندان خود را از دست داده‌اند توصیف کند و هیچ اقدامی قادر به پر کردن جای خالی این دانش‌آموزان نیست.

صالحی‌امیری با بیان اینکه ملت ایران خود را وامدار فرزندان خانواده‌های شهدا می‌داند، تأکید کرد: صدای خانواده‌های شهدا باید بیش از هر روایت دیگری شنیده شود، زیرا سخنان آنان می‌تواند ابعاد انسانی این فاجعه را برای افکار عمومی آشکار کند.

وی با ذکر بازتاب واقعه میناب در سفر خود به اسپانیا تشریح کرد که در اجلاس مادرید با حضور بیش از ۱۷۶ هیئت و ۹۰ وزیر، به جای قرائت یادداشت رسمی، درباره کودکان شهید میناب سخن گفت و بسیاری از مقام‌های حاضر برای ابراز همدردی پیش‌قدم شدند. پس از آن نیز حدود ۴۰ چهره فرهنگی اسپانیایی در سفارت ایران در مادرید آمادگی خود را برای همراهی با روایت این واقعه اعلام کردند.

به گفته وی، یک هنرمند اسپانیایی موسیقی مرتبط با میناب اجرا کرده، یک نویسنده برای نگارش کتاب اعلام آمادگی کرده، یک فعال رسانه‌ای با حدود یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار مخاطب و یک کارگردان سینما نیز برای انتشار محتوا و ساخت فیلم بلند ابراز تمایل کرده‌اند.

وزیر میراث فرهنگی همچنین از تشکیل ستاد ملی شهدای فاجعه میناب به دستور رئیس‌جمهور و افزایش دستگاه‌های مشارکت‌کننده از پنج مجموعه به ۲۲دستگاه خبر داد و گفت پروژه‌ها به تدریج در میناب و هرمزگان رونمایی خواهد شد. وی با اشاره به نقش مردم هرمزگان در جنگ رمضان و نبرد هرمز و گرامیداشت شهید تنگسیری، بر ضرورت قرارگرفتن این نقش در کانون روایت دفاع از ایران تأکید کرد.

صالحی‌امیری در بخش پایانی با اشاره به پیگیری حقوقی پرونده مدرسه شجره طیبه از سوی معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری، دستگاه قضایی و وزارت امور خارجه، از درخواست خود از استاندار هرمزگان برای حضور خانواده‌های شهدا در جلسات ستاد خبر داد و از همراهی رسانه ملی قدردانی نمود.

در میانه این مراسم با پنل تخصصی اهالی رسانه، و با حضور افرادی همچون بابک خواجه‌پاشا (کارگردان)، فرزند شهید تنگسیری، محمد مهاجری و محمود گبرلو پنلی تخصصی برگزار شد و دیدگاه‌های این افراد برای بازنمایی صحیح روایت فاجعه تروریستی میناب، در مقابل حضار به بحث و تبادل نظر گذاشته شد. در این برنامه که با حضور برخی خانواده‌های شهدای میناب، اهالی فرهنگ و هنر، پیشکسوتان و اصحاب خبر و رسانه و با رویکرد آسیب‌شناسی و تولید ایده برای بازنمایی صحیح فاجعه حمله به مدرسه شجره طیبه میناب شکل گرفت؛ عمده تأکید صاحب‌نظران بر ضعف روایت بود.

در انتهای این مراسم، پدر دو دانش‌آموز شهیده، شهیدان اسرا و سلما ذاکری، عبارت «کابوس بیداری» را برای توصیف حال خود و خانواده‌ها به کار برد. منظورش این بود که ما در بیداری، کابوس فاجعه حمله به مدرسه و پرپر شدن عزیزانمان را می‌بینیم. او در انتهای برنامه شب‌هنگام اهالی هنر و رسانه با نام «روایت ستاره‌ها؛ بازنمایی میناب قهرمان»، میکروفن را در دست گرفت و بعد از عکس یادگاری خانواده شهدا با وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی، دقایقی برای حضار صحبت کرد. می‌گفت خانواده شهدا بیش از هر چیز، به این نیاز دارند که خون کودکانشان پایمال نشود.

در صحبت‌هایش گلایه از برخی کم‌کاری‌ها بود، روضه بود، امیدواری و دلداری به ملت ایران هم بود! جالب‌ترین بخش صحبتش، همین بخش آخر بود.

او که حال منقلب همه حضار در برنامه را دید، گویی خود احساس کرد باید به بقیه دلداری بدهد. حالی که تقریباً هر چند دقیقه یک‌بار و در خلال میان‌برنامه‌ها، صحبت‌های حضار و پنل تخصصی، و با مرور خاطرات بازدید صبح از مدرسه؛ سبب جمع شدن اشک در چشمان حضار و بغض آنها می‌شد. مختار ذاکری با اشاره به سالروز ۱۳ آبان و مناسبت روز دانش‌آموز با لباس و جایگاهی که این کودکان در آن شهید شدند، به جای اینکه از بقیه دلداری بشنود، به بقیه دلداری داد که نگران حال بد آنها نباشند. او گفت ما امروز حالمان خیلی بهتر است و شما نگران ما نباشید. او در آخرین جمله خطاب به مسئولان و به نمایندگی از ایشان به وزیر میراث‌فرهنگی گفت: «برای ما در این زمانی که گذشت، عالم حزن رفت، عالم فرح آمد. یک کاری کنید که برای ملت هم عالم فرح بیاید.»

یادداشت
زهرا چیذری

حقوق دیجیتال شهروندان در حباب استعمار «داده»

سکوها(پلتفرم‌ها) و شبکه‌های اجتماعی خارجی حالا به ابزاری برای ایجاد حباب فکری، استعمار دیجیتال و جنگ شناختی بدل شده‌اند. اینجاست که درمی‌یابیم جایگاه حقوق انسانی یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی است که در فعالیت سکوهای خارجی مغفول مانده است؛ سکوهایی که نوع جدیدی از استعمار را شکل داده و اعمال می‌کنند و آن چیزی نیست جز استعمار داده و استعمار دیجیتال.

واقعیت این است که این سکوها نه‌تنها بر داده‌های ما مسلط شده‌اند، بلکه با ایجاد «حباب‌های فکری» و «استعمار دیجیتال»، حاکمیت ملی ما را نشانه گرفته‌اند؛ از «استارلینک» که به دنبال دور زدن مرزهای ماست تا سکوهایی که با «اقتصاد خشم» وحدت ملی را هدف می‌گیرند. اما در این میان، یک حلقه گمشده وجود دارد: «جایگاه حقوقی انسان».

بنا به تعبیر دکتر جواد آزادی احمدآبادی، مشاور دبیر شورای عالی و مدیرکل حوزه ریاست مرکز ملی فضای مجازی، اگر ما ادعای «حاکمیت فعال» و ساختن «شبکه ملی اطلاعات» را داریم، اما شهروند ایرانی در برابر یک الگوریتم خارجی حق اعتراض نداشته باشد، آن حاکمیت چه فایده‌ای دارد؟ اینجاست که «حقوق دیجیتال» (Digital Rights) به عنوان یک کلیدواژه گفتمانی جدید وارد می‌شود. شهروند دیجیتال صاحب حق است: حق بر حریم خصوصی، حق بر مالکیت داده‌های شخصی و مهم‌تر از همه، «حق بر تبیین» (حق دانستن اینکه چرا یک الگوریتم علیه من تصمیم گرفت).

صاحبان سکوها با نوشتن چند خط کد، در واقع برای میلیون‌ها انسان «قانون» وضع می‌کنند. این همان «کدهایی است که حکمرانی می‌کنند». این بدین معناست که سکوهای فراملی به «دولت‌های خصوصی» بدل شده‌اند که بی‌آنکه از کسی رأی بگیرند، بر ما حکومت می‌کنند.

بنا به تأکید وی، در اینجا عملاً ما با استعمار داده مواجهیم! دقیقاً همان‌طور که در قرن نوزدهم، قدرت‌های استعماری منابع ما را غارت می‌کردند، امروز غول‌های فناوری، «نفت جدید» یعنی داده‌های ما را می‌دزدند. آنها با تحلیل داده‌ها، نه‌تنها ثروت ملی را به سیلیکون‌ولی منتقل می‌کنند، بلکه با پیش‌بینی و مهندسی رفتار ما، استقلال اراده ما را هدف گرفته‌اند. حقوق دیجیتال، نه یک کالای لوکس، بلکه ابزار «مقاومت ملی» در برابر این استعمار نوین است و در واقع ما با یک «امپریالیسم دیجیتال» مواجهیم.

در کنار غارت داده‌ها، ما با یک «جنگ شناختی» هم مواجهیم. الگوریتم‌ها با شخصی‌سازی محتوا، به شما القا می‌کنند که چه چیزی مهم است. این درست همان تکنیک رسانه‌ای برجسته‌سازی یا Agenda- setting Theory است.

سکوهای خارجی به دشمنان ما این امکان را می‌دهند تا با کمترین هزینه، فقط با تنظیمات الگوریتم‌ها، حباب فکری ایجاد کنند. بدین‌گونه هر ایرانی در یک اتاق پژواک محصور شده و صدای طرف مقابل را نمی‌شنود. اینجاست که درمی‌یابیم سکوها به جای ابزار ارتباط، به سلاحی برای «مهندسی معکوس افکار عمومی» و قطبی‌سازی جامعه ایرانی بدل شده‌اند.

اما چرا قوانین ما در برابر این سکوها ناکارآمدند؟ این سؤالی است که دکتر جواد آزادی احمدآبادی به آن این‌گونه پاسخ می‌دهد: زیرا قوانین سنتی ما مانند یک «درشکه» در برابر یک «قطار پرسرعت» هستند. قوانین ما بر پایه «مرزهای جغرافیایی» نوشته شده‌اند، اما سکوها ماهیتی «فراملی» دارند. وقتی یک شرکت در امریکا با یک تغییر ساده در شرایط استفاده (Terms of Service)، قوانین را به ضرر شهروند ایرانی تغییر می‌دهد، دادگاه‌های ما در برابر این قفل‌شدگی حقوقی چه ابزاری در دست دارند؟ اینجاست که ضرورت یک «حقوق دیجیتال بومی» بیش از پیش آشکار می‌شود.

از نگاه وی، در برابر این امپراتوری دیجیتال، جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند تماشاچی باشد. تدابیر حکیمانه رهبر شهید انقلاب اسلامی (رضوان الله تعالی علیه) بر «مواجهه فعالانه» تأکید دارد؛ یعنی ما نباید منتظر بمانیم تا گوگل و متا به ما رحم کنند.

باید حقوق شهروندی را سرلوحه کار خود قرار دهند. بدون یک بستر بومی که در آن، شهروند ایرانی احساس امنیت و کرامت کند، تلاش برای حکمرانی، سرابی بیش نخواهد بود. شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی، به‌عنوان سکان‌داران این حوزه، متولیان اصلی این ظرفیت‌سازی در برابر تهدیدات فراملی هستند تا ثابت کنند که می‌توان در عصر سکوها، هم مستقل بود و هم کرامت شهروند را حفظ کرد.

حقوق دیجیتال و حاکمیت دیجیتال، دو روی یک سکه‌اند. بدون حاکمیت، حقوق شهروندان در برابر استعمار داده‌ای تضمین نمی‌شود و بدون حقوق، حاکمیت در تأمین رضایت شهروندان ناکام می‌ماند.

نوبت دوم

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (روش یکپارچه)
(شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران ۳۵ -۲۰۰۵۰۰۱۲۰۵۰۰۰۰۳۵)

وزارت نیرو
شرکت مدیریت منابع آب ایران
شرکت سهامی آب منطقه ای اصفهان

شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان در نظر دارد لایروبی و آزادسازی رودخانه‌های شهرستان‌های غرب و جنوب استان را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (روش یکپارچه) و با شرایط و مشخصات زیر به پیمانکار واجد صلاحیت واگذار نماید.
لذا از مناقصه گرانی که تمایل به شرکت در مناقصه مذکور دارند، دعوت می گردد نسبت به دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به نشانی اینترنتی (www.setadiran.ir) و به شماره فراخوان فوق اقدام نمایند.
** مبلغ برآورد: ۵۵۰،۰۸۳،۰۳۹،۲۰۰ ریال (پانصد و پنجاه میلیارد و هشتاد و سه میلیون و سی و نه هزار و دویست ریال) و بر مبنای فهرست بهای واحد پایه رشته آبیاری و زهکشی سال ۱۴۰۴ است.
** مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۲۷،۵۰۴،۱۵۱،۹۶۰ ریال (بیست و هفت میلیارد و پانصد و چهار میلیون و یکصد و پنجاه و یک هزار و نهصد و شصت ریال) و نوع آن از تضمینهای معتبر جدول شماره ۴ بند الف ماده ۶ آئین‌نامه تضمین معاملات دولتی مصوبه هیأت وزیران به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ (با آخرین اصلاحات) و نیز تبصره ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی بند هـ تبصره ۵ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۹۷ کل کشور موضوع تصویب نامه هیأت وزیران به شماره ۱۲۱۵۵/ت۵۵۲۶۴هـ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۹ و نیز ماده ۹ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات مصوب ۱۳۹۸/۰۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی و مندرج سایر قوانین و مقررات جاری در صورت شمول باشد.
** اعتبار پروژه: تأمین مالی توسط مناقصه گزار (کارفرما) و نوع اعتبار طرح اعتبارات جاری (هزینه ای) شرکت سهامی آب منطقه ای اصفهان است.
شرایط مناقصه گر: مناقصه گر باید دارای گواهینامه صلاحیت معتبر پیمانکاری پایه ۵ یا بالاتر (۱تا۴) در رشته آب از سازمان برنامه و بودجه و دارای ظرفیت آزاد (مبلغ و تعداد کار مجاز) و دارای گواهینامه معتبر صلاحیت ایمنی در زمینه فعالیت آب از وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی باشد. سایر شرایط مندرج در اسناد استعلام ارزیابی کیفی و مناقصه می باشد.
** محل اجراء: واقع در شهرستان های غرب و جنوب استان می باشد و مدت اجراء ۷ ماه شمسی است.
** مدت اعتبار پیشنهادهای مناقصه ۳ ماه شمسی با یکبار قابلیت تمدید با همین مدت از آخرین مهلت ارائه پیشنهادها است.
** نام و نشانی دستگاه نظارت: الف) نماینده کارفرما: معاونت حفاظت و بهره برداری شرکت آب منطقه ای اصفهان (دفتر مهندسی رودخانه) به نشانی اصفهان - پل خواجو - آبشار اول - ساختمان شماره دو - ب) دستگاه نظارت (مشاور): شرکت مهندسین مشاور.
** تاریخ، مهلت، نشانی و نحوه دریافت اسناد مناقصه و استعلام ارزیابی کیفی و ارسال پاسخ:
کلیه مراحل ارزیابی کیفی و مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد ایران) به نشانی اینترنتی www.setadiran.ir انجام خواهد شد. مناقصه گران جهت شرکت در مناقصه، مطابق شرایط و مواعد زمانی قید شده در آن سامانه (به شماره فراخوان فوق) مهلت خواهند داشت، نسبت به دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و مناقصه (از ساعت ۱۶:۰۰ روز انتشار آگهی فراخوان نوبت اول) و ارسال پاسخ ارزیابی کیفی و پیشنهاد مناقصه به صورت همزمان و از طریق همین سامانه اقدام نمایند.
** نشانی مناقصه گزار: اصفهان ـ پل خواجو ـ بلوار آئینه خانه ـ جنب هلال احمر - شرکت سهامی آب منطقه ای اصفهان - کدپستی ۸۱۶۴۶۷۶۴۷۳ - صندوق پستی ۳۹۱

روابط عمومی شرکت سهامی آب منطقه ای اصفهان

شناسه آگهی: ۲۳۲۱۸۵۸